

تکامل یا انقلاب؟

آقای مدیر - موضوعی را که طرح نموده اید یکی از مسائل مهم پیچ در پیچ گذشته و آینده اجتماعات بشری است و این مسئله چندان سهل و ساده نیست که بشود باین آسانی و مختصری با اندک تأمل و بدون مطالعه جواب داد.

بعقیده علماء اجتماعی انقلاب و تکامل هیچیک بدون سوابق معین و روشن و یک سلسله وسائل و اسباب و علل که مقدمه انقلاب یا تکامل محسوب میشوند صورت وقوع پیدا نمیکند چه ظهور انقلاب یا ایجاد اصول تکامل میان یک ملتی در درجه معین و حد معلومی است که در یک زمان مخصوص دوره رشد و نمو ترقی آن ملت ظاهر میشود و این دوره در حیات اجتماعی هر ملت پیش خواهد آمد. وقتی که بآن درجه و حد معین رسید خواهی نخواهی و بر حسب اجبار اگر راه ترقی و تکامل آنرا آداب و رسوم و شئون و عادات و غیره مسدود کنند و طرفداران آنها جداً از این ترتیبات قدیمه حمایت کنند بدون فکر و تأمل دست توسل بدامن انقلاب خواهد زد اگر مظفر شد چه بهتر و اگر بمقصود نرسید و مغلوب گردید باز مدتی ساکت و مشغول تجدید قوا شده از سر خواهد گرفت و تا بمقصود نرسیده آرام نخواهد شد.

در اینجا لازمست اندکی از عوامل و اسباب و علل انقلاب یا تکامل بحث شود:

اولین عامل مهم و مؤثر و بی زوال انقلاب یا ایجاد وسائل تکامل فهم و قوه رشد و تمیز هر ملت است و آن نیز فقط در سایه دانستن قوانین طبیعت و آشنا شدن و پی بردن با اثرات و تجلیات عوامل طبیعت است و این در میان یک جامعه صورت نمیگیرد مگر اینکه قبلاً یک حس کنجکاوی شک و تردید نسبت بآنچه که قبلاً بطور ارث بآنها رسیده است در آنها پیدا شود و این ممکن نمیشود مگر اینکه آن ملت

يك مرحله از مراحل دوره رشد و تمیز خود را پیموده باشد و برای این مقصود نیز يك عامل مؤثر دیگری لازم میآید که در تربیت روحی و دماغی ملت تأثیری داشته باشد و آن عبارت از انتشار کتب و رسائل فضلاء و دانشمندان است که سالها برای همین مقصود تألیف و تدوین شده تا خرافات و اوهام قرنهای گذشته رایج و مصفا کنند و اذهان ملت را برای قبول علوم و افکار جدید آماده نمایند متبجح باشند و تنها این رشته نیز کافی نیست رشته های دیگر لازم است که مانند حلقه های زنجیر بیکدیگر مربوط باشند و آن عبارت خواهد بود از ظهور يك عده متناسب از حکماء و علماء و اشخاص دانشمند متبجح که هر دسته از آنها در يك رشته، بخصوص علوم طبیعی مانند فیزیک - شیمی - معدن شناسی - معرفت الارض - حیوان و نبات شناسی - طب و حکمت - فلسفه - تاریخ - جغرافیا - ادبیات - صنایع مستظرفه - علوم اقتصاد و سیاسی و هزاران رشته دیگر که برای زندگانی يك ملت برومند لازم است که تمام آثار آنها را بزبان ملی بعبارات سهل و ساده در آورده در دسترس عمومی بگذارند اینهاست که اسباب رشد و نمو و ترقی يك ملتی را فراهم میکند و این قسمت نیز مربوط به يك قسمتهای دیگر است که آن تهیه اسباب و وسائل تعلیم و تربیت است و باید وسایل آن بمعنی تام و تمام در میان آن ملت فراهم گردد تا بتوانند و قادر باشند از نتیجه سعی و عمل زحمت و تجربه و تحقیقات علمی و حکمتی افکار - پند و اندرز بزرگان و دانشمندان و علماء خود بر خوردار شوند.

این رشته نیز برشته دیگر مربوط است و آن ایجاد امنیت مالی و جانی و قضائی است با تمام معنی بکار انداختن منابع ثروت ملی حمایت و تشویق صنایع ملی پیدا کردن بازار برای مصنوعات داخلی و رونق تجارت و تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی و ایمن بودن از تجاوزات خارجی بواسطه تعلیم و تربیت يك قشون نیرومند که از هر آلاشی پاک و منزه باشد و بمعنای تام

و تمام سرباز وطن خویش باشد. خلاصه کلام وقتی که تمام این علماء، فضلاء و حکماء و دانشمندان علوم عقلی و نقلی و طبیعی و سیاسی و اقتصادی و تجارتي و تعليمی و تربیتی و صنعتی در میان يك ملتی ظهور کردند و دست بدست دادند و در سایه سعی و عمل و جدیت و حمیت ملت خود را بتمام آن علوم آشنا نمودند و باندازه فهم و شعور و عقل در جامعه پیدا شد که بتوانند خادم را از خائن تمیز بدهند و خیر و شر خود را بدانند در آن هنگام است که يك چنین ملتی که بعلم و دانش و قدرت و استعداد خود مستظهر است بامید ترقی و سعادت و خیر و صلاح آتی خود انقلاب که سهل است بهر وسیله که شدیدتر از آن نباشد برای سلامت قدرت و عظمت آینده درخشان خویش متوسل میشود.

خوب میدانیم ظهور انقلاب در میان ملل غیر آسیائی نتیجه تأثیرات يك سلسله عوامل است (يك قسمی از آنها در فوق اشاره شد) که از سالیان دراز در میان آنها مؤثر شده بمرور در هر رشته از رشته های زندگانی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آنها نفوذ کرده آنها را تدریجاً با اصول بهتری از زندگانی بشری آشنا نموده است که برای آنها ادامه و تحمل ترقیات و مؤسسات اوضاع و احوال زندگانی یکی دو نسل قبل غیر ممکن میشود. بنابراین بر علیه آنها قیام نموده آنها را واژگون و اصول و ترتیبات بهتر و تازه تری را که متناسب با دوره و زمان خویش است بجای آنها بر قرار میکنند.

حال که مقیاس بدست آمد میتوانیم با این مقیاس رشد و نمو و ترقی هر ملتی را اندازه بگیریم و استعداد آنها را برای انقلاب یا تکامل مانند يك مسئله ریاضی حل کنیم.

من هنوز در میان ملل آسیائی ملل و اسباب انقلاب یا تکامل را سراغ ندارم و نمی شناسم (۱) اگر بخواهم این مقیاس را برای اندازه

(۱) موضوع ترقیات ژاپون بحث جداگانه لازم دارد و شاید برای خواننده همکار مطالعه این مقاله مشکل حل گردد که مقصود نویسنده چیست ممکن است هر مقاله دیگری در این موضوع بخصوص بیشتر بحث شود -

گرفتن ترقیات مادی و معنوی و علمی آنها بنکار اندازم نتیجتاً مطلوبه حاصل نمیشود اساساً زمینه در دست نیست تا داخل این بحث بشویم که آیا برپا کردن انقلاب در میان يك ملت آسیائی بهتر و اصلح است یا ایجاد وسایل تکامل. بعبارت دیگر ترقی و سعادت آتیۀ آن ملت آسیائی با انقلابات بهتر تأمین میشود با بوسیله تکامل - بنظر نگارنده در آسیا این زمینه ها برای ملل آسیائی موجود نشده است.

ساده تر عرض کنم اگر مورد حمله هم واقع بشوم باک ندارم دلایل محکم و قوی در دست دارم که میتوانم با مدعیان داخل مباحثه شوم و آنها را قانع کنم و آن اینست که من نمیبینم و نمیدانم و سراغ ندارم که ملل آسیائی هنوز داخل این مرحله از زندگانی دوره ترقی شده باشند که يك حد معین و مشخص آن منتهی با انقلاب یا ایجاد وسائل تکامل گردد بلکه هنوز هم فرسنگها از این مرحله دور هستند و يك مدت و زمان دور و درازی مانده است که بآن برسند مقصود من زندگانی امروزی ملل اروپائی است که متجاوز از سیصد سال است داخل آن شده و امرار حیات مینمایند.

وقتی که وسایل و اسباب و موجبات و علل و زمینه تکامل یا انقلاب در میان يك قوم ، ملت و جامعه فراهم نیست و هنوز داخل اندر خم يك کوچه هم نشده بحث در اینگونه مسائل چه صورتی دارد جز طعن و لعن و شتم و ضرب عامی - اصلح آن است که ملل آسیائی را بگذارند در دنباله آداب و رسوم و شئون زندگانی اجدادی که هزار ها سال است بآنها مانوس شده و مایل است در عیش و مستی بکوشد و این کیمیای هستی را از دست ندهد باقی بماند.

اما موضوع اقتراح - اینکه انقلاب بهتر است یا تکامل این موضوع بخودی خود يك موضوع مهمی است و میتوان در آن بحث کرد و اظهار عقیده نمود.

اول در انقلاب بحث میکنیم - میدانیم انقلاب هم شدت و ضعف دارد مانند انقلاب روسیه و انقلاب ایتالیا که هر دو در این ده ساله اخیر پیش آمده منتها انقلاب روسیه را میتوان انقلاب شدید و خونین نامید و انقلاب ایتالیا را درست نقطه مقابل آن که بدون قتل و غارت صورت گرفت. بنظر نگارنده هر دو مضرند منتهی اولی مضر تر و عواقب آن وخیم تر است.

انقلاب روسیه يك انقلاب پر خوف و وحشتی بود که تاریخ نظیر آن را نشان نمیدهد انقلاب فرانسه با تمام آن فجایع و قتل و غارت و انواع ظلم و ستم باز بپایه انقلاب روسیه نمیرسد و تلفات مالی و جانی و خرابی این انقلاب هیچ طرف نسبت با انقلاب ۱۷۸۹ نیست در صورتیکه قریب یکصد و سی سال با هم فرق زمان دارند و افکار و احساسات و معلومات بشری در این مدت باندازه تمام ادوار تاریخ بشری ترقی نموده است با این حال انقلاب روسیه شدید ترین انقلابی است که در دنیا رخ داده است (۱) ملت فرانسه از انقلاب ۱۷۸۹ چه نتیجه گرفت با این که مسبین انقلاب تمام آداب و رسوم و شئون و عادات دیرینه را و ازگون نمودند حتی بمذهب اجدادی خود هم ابقا نکردند آنها منسوخ و بجای آن اصول و ترتیبات دیگری قائل شدند - تاریخ سال و ماه و روز را هم تغییر

(۱) هر قدر فشار و ضربت شدید باشد عکس العمل آن نیز بهمان اندازه شدید خواهد بود ظلم و ستم، حبس و اعدام صاحبان افکار عالیه در زمان نیکلای دوم تا زمان جنگ بین الملل باعلا درجه رسیده بود استالین رئیس الوزراء معروف روسیه که در سال ۱۹۱۱ کشته شد برای اعدام اصلاح طلبان تعلیمات مبداء که در استعمال فشنگ صرفه جوئی نشود.

يك سیاح انگلیسی که در سال ۱۹۰۹ در سبیر یا سیاحت کرده میتوسد که در مجلس های روسیه باندازه کافی جان بود مجوسین نوبت گذاشته بودند که شش نفر در اطاق برای شش ساعت استراحت نموده و شش نفر دیگر در آن هوای سرد هولناک در خارج مجلس قدم میزدند تا نوبت بانها برسد .

داده بجای آنها تقسیمات دیگری ترتیب دادند که شرح آن باعث تطویل است با وجود تمام اینها بده سال نرسید که زمام امور بدست کسی افتاد که ضرر های مادی و معنوی آن بمراتب بیش از دوره زمام داری لوی چهاردهم بود. بعد از خاتمه کار ناپلیون که آنها نتیجه همان انقلاب خونین بود ملت فرانسه بطوری خسته - زبون - ناتوان و بیچاره گردید که تمام قوای مادی و معنوی آن از بین رفته بود و تمام اینها ضررهای انقلاب خونینی بود که فرانسه گرفتار آن گردید ولی بعد از بیست و پنج سال انقلاب و جنگهای خونین و از بین رفتن مسببین انقلاب مجدداً ملت فرانسه با آداب و رسوم و مذهب و حکومت دیرینه خود باز گشت نمود اما استقرار تمام آنها باتمام معنی غیرممکن بود. در هر صورت انقلاب خونین بهر قوت و قدرت و قتل غارت که باشد قابل دوام نیست زیرا بریا کنندگان انقلاب هر اندازه قوی و توانا و مال اندیش و مدبر و دور بین باشند با تمام این احوال باز ممکن نیست بر طبق آمال و آرزوهای خود از ایجاد انقلاب نتیجه بگیرند زیرا که هر اندازه نتیجه های آنها زورمند و قادر و توانا باشد بمرور در آنها بواسطه علمی بی شمار سستی پیدا شده گریبان ملت از این جنگالهای فولادین رها خواهد شد و مجدداً ملت همان آداب و رسوم و شئون اجدادی خود را که انقلاب بطور موقت واژگون کرده بود برقرار خواهد نمود و اگر نتواند تمام آنها را مجدداً برقرار کند بدون تردید قسمت اعظم آنها را معمول خواهد داشت البته بر قراری تمام آنها بدو دلیل ممکن نیست دلیل اول از بین رفتن طرفداران جدی آن عادات و رسوم دوم گسیخته شدن رشته بعضی از اصول و ترتیبات قدیم که وصل مجدد آنها کار مشکلی خواهد بود. در هر صورت نتیجه محسوسی که يك ملتی از انقلاب خواهد برد همان جراحت سختی است که آثار آن در بیکر ملت باقی خواهد ماند و بزودی هم علاج پذیر نیست.

ملت روسیه نیز يك روزی گریبان خود را از چنگال این انقلاب و حشتناك خلاص خواهد نمود امسال سال دیگر یا ده سال در هر صورت اصول و ترتیبات انقلاب خونین پایدار نیست (۱) دیر یا زود عمر آن پایان خواهد رسید و بجای آن یا يك حکومتی مانند حکومت اسپانیول بلژیک یا انگلستان بر قرار خواهد شد یا اینکه يك حکومت جمهوری مانند فرانسه یا آمریکا بوجود خواهد آمد.

در ایتالیا نیز انقلاب بر پاشد ولی بشکل

دیگر - مؤسس ظاهری و باطنی این

انقلاب جدید موسولینی قائد معروف حزب

فاشیست ایتالیا است این انقلاب بدون خون

ریزی و بدون قتل و غارت تا اندازه آرامی ولی با عجله و شتاب صورت گرفت در حقیقت میتوان آنرا انقلاب سفید نامید.

حزب فاشیست بسر پرستی موسولینی در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۲۲

وارد پایتخت ایتالیا گردید و زمام امور را بزور در دست گرفت و ایتالیا را از پرتگاه فنا و زوال نجات داد.

ملت ایتالیا بعد از خاتمه جنگ گرفتار هرج و مرج داخلی

گردید. فقر اقتصادی نبودن وسایل تولید ثروت بسته شدن کارخانه ها و

زیادی عده بی شمار بدون شغل - ضعف دولت اختلاف احزاب سیاسی

خطر بالشویزم و سوسیالیزم و نبودن زمامدان مجرب قادر و توانا تمام

اینها باعث میشد که يك انقلاب خونین در سر تا سر ایتالیا برپا شود

(۱) انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه يك روح متشیخ در ملت فرانسه تولید نمود که در قسمت

دوره قرن نوزدهم ملت فرانسه گرفتار همان تشنج بوده بعضی از علماء اجتماع عقیده دارند

که هنوز هم بطور کامل آرام نشده زیرا در مدت هشتاد سال سیزده مرتبه اساس

حکومت خود را واژگون کرده و هیچ استبعاد ندارد که باز طرز حکومت خود را تغییر بدهند

در يك چنین موقع مهم و باریکی موسولینی با پیروان خود ظهور کرده و کرد آنچه که باید بکند با سرعت برق امنیت مالی و جانی را در میان ملت ایتالیا برقرار نمود فقر اقتصادی را اصلاح کرد به بودجه مملکتی توازن داد صنعت و تجارت داخلی را رواج داد و در اندک مدتی طوری با مهارت و تر دستی اصلاحات را انجام داد که اسباب تعجب و حیرت خودی و بیگانه گردید قدرت و نفوذ دولت ایتالیا محسوس شد و بر اعتبارات داخلی و خارجی آن افزوده گردید وقتی که انسان احصائیه سال ۱۹۲۰ ایتالیا را با سال ۱۹۲۵ آن مملکت مقایسه میکند دیده میشود به ترقیات آن يك بر ۱۰ افزوده شده است.

این هم يك نوع انقلاب است دوام و بقای آن تا چه حد است کسی نمیتواند پیش بینی کند ولی در اینکه موقتی است هیچ تردیدی نیست زیرا هنوز معلوم نیست ملت ایتالیا برای يك چنین عجله و شتاب حاضر است یا نه؟ آیا میتواند از این اقدامات قائد فاشیست ها راضی باشد و این استعداد را دارد که اصلاحات تند و سریع او را درک کند و بعد از او از آنها رو گردان نشود؟

وقتی که خوب دقت شود دیده میشود که این انقلاب هم شبیه همان انقلاب است که آلمان در دوره زمامداری بیزمارک نمود دوام و بقاء و عمر آن در این جنگ اخیر بهتر روشن شد شاید ترقیات دولت متحده آمریکا نیز از این قبیل باشد چه ترقیات ظاهری از حیث ثروت و صنعت و تجارت تنها کافی نیست بلکه ترقیات روحی يك ملت شرط اعظم است که آنرا از حوادث خطرناک روزگار مصون و محفوظ نگاه میدارد آن نیز در عرض پنجاه سال یا صد سال قابل امکان نیست اقلا مدتهای متمادی و ظهور و ایجاد عوامل و اسباب مخصوصی را لازم دارد تا يك ملتی بتواند دارای روحیات و ملکات و خصائل معین و مخصوص باشد و بتواند در مقابل حوادث گوناگون روزگار و دسائس دول طماع

شیطان صنعت مقاومت نماید تا استقلال سیاسی اقتصادی و تمامیت ارضی خود را ایمن نگاهدارد ایجاد يك چنین روحیاتی در توده يك ملتی فقط در سایه اصول منظم و مرتب تعطیل نا پذیر تکامل صورت خواهد گرفت و بس .

اگر چه در این دوره و با این کشاکش و حرص و آرزو اصول جهانگیری و جنون توسعه ارضی دول و هزاران علل و اسباب دیگر که دول مقتدر روی زمین را بجان یکدیگر انداخته اتخاذ اصول تکامل بنظر خیلی مشکل میاید با این حال طرق دیگر جز این خطر ناک است.

با ترقیات حیرت انگیز این سه چهار ساله اخیر ایتالیا فردا اگر يك جنگی برای آن مملکت پیش بیاید معلوم نیست ملت ایتالیا با موسولینی و یکی دو میلیون طرفداران او چه معامله خواهد نمود آیا تمام مؤسسات او را محو نخواهند کرد؟

هیچ استبعاد ندارد که تحمل این اندازه عجله و شتاب را نتواند بکند و به تمام آنها پشت پا بزند همان معامله را با موسولینی بکنند که ملت آلمان با ویلهلم دوم کرد.

اما عقیده من راجع با ایجاد اصول تکامل - در اینباب مطالب زیاد است که در این مختصر نکتهد بهتر است بحث در این قسمت بوقت دیگر محول شود .

رسول نخشبی

رباعی

تا کشت ستمگری شود پاک درو

تا آنکه ستمگری نروید از نو

این خوی ستمکشی برون کن از سر

نه زور بکش بگو نه از کس بشنو

محمد هاشم میرزا افسر

مرگ سلطان محمود غزنوی

شهر غزنین نه همان است که من دیدم یار
 چه فتاده است که امسال دگر گون شد کار؟
 خانه ها بینم پر نوحه و پر بانگ و خروش
 نوحه و بانگ و خروشی که کند روح فکار
 مهتران بینم بر روی زنان همچو زنان
 چشمها کرده ز خونابه برنگ گلنار
 حاجبان بینم خسته دل و پوشیده سیه
 کله افکنده یکی از سرو دیگر دستار
 بانوان بینم بیرون شده از خانه دکوی
 بر در میدان گریان و خروشان هموار
 خواجگان بینم بر داشته از پیش دودست
 دستها بر سر و سرها زده اندر دیوار
 عاملان بینم باز آمده غمگین ز عمل
 کار نا کرده و نا رفته بدیوان شمار
 این همان لشکریانند که من دیدم دی
 و بن همان شهر و زمین است که من دیدم یار
 مکر امثال ملک باز نیامد ز غزا
 دشمنی روی نهاده است برین شهر و دیار؟
 کاشگی چشم بداندر نرسیدی به امیر
 آه نرسم که رسیده است و شده زیر غبار؟
 رفت و ما راهمه بیچاره و در مانده بماند
 من ندانم که چه درمان کنم این را و چه چار
 آه و دردا که بیک بار تهی بینم از او
 کاخ محمودی و انخانه پر نقش و نگار

اء و دردا كه همه بر همان همه هند
 جاي سازند بتانرا دگراز نو به «بهاز»
 وای و دردا كه كنون قیصر رومی برهد
 از تكاپوی بر آوردن برج و دیوار
 میرمی خورد مكردی و بخت است امروز
 دیر بر خاست مگر رنج رسیدش ز خمار؟
 دهل و كوس همانا كه همی زان نزنند
 تا بخصبند خوش و كمتر بودش بر دل بار
 ای امیر همه میران و شهنشاه جهان
 خیز و از حجره برون آی كه خفتی بسیار
 خیز شاها كه رسولان شهان آمده اند
 هدیهها دارند آورده فراوان و نثار
 خیز شاها كه جهان پر شغب و شور شده است
 شور نشان و شب و روز بشادی بگذار
 خیز شاها كه بیدار تو فرزند عزیز
 بشتاب آمده بنمای مر او را دیدار
 كه تواند كه بر انگیزد زین خواب ترا
 خفتنی خفتی كز خواب نگردي بیدار
 خفتن بسیار ایشاه كه خوی تو نبود
 هیچ كس خفته ندیده است ترا زین كردار
 سفری داری امسال شها اندر پیش
 كه مر آنرا نه كرانست پدید و نه كنار
 شعرا را بتو بازار بر افروخته بود
 رفتی و با تو بیک باره برفت آن بازار
 فرخی سیستانی